

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

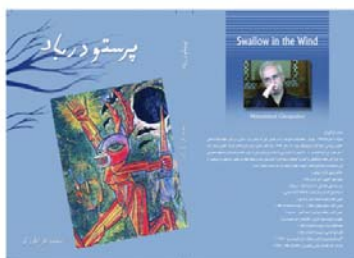
Literary - Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده:

۲۲ دسمبر ۲۰۱۱

پرستو در باد، روایتی از مبارزه، عشق و بازنگری بینش چریکی



پرستو در باد^(۱)، به قلم محمد قراگزلو، زبان حال آرمانگرایی است که راوی، خود از شمار آنان است. این روایت، هم خاطره است و نیز گوشه ای از تاریخ یک نسل در قالب رمان، رمانی رئالیستی، سرشار از شور، آرمان، عشقی در محاق، آرزو، اندوه و بیم و امید که تراژدی تاریخی را چکامه می سازد. جدال انسان برای چیرگی با آن چه در درازی تاریخ به گوشش "سرنوشتی" ابدی خوانده اند. سنیز گروهی از انسان ها، برای زیستی بهین، به امید فرارویی فردائی در خور انسان نوعی. گفتمان و کنش و واکنش انسان هائی خوش پندار برای حل پرسش های تاریخی و دیرینه پاسخ ناگرفته و آرزوهای زیبا و سترگ، که جز با نیرو، دانش و فهم دیالکتیکی مادی تاریخ و دگرگون خواه، با ساختاری اجابی و آفریننده ارزش طبقه ای برای خود، در پیروزی بر نیروی تثبیت گرای حاکم نمی تواند بر سرنوشت جاری رقم زده به دست مناسبات حاکم، دست یابد.

تلاش پیوسته سیزیف وار با بر سر گرفتن صخره تا قلعه تا باز غلتیدن دوباره کوهپاره تا دره و تلاش دوباره و محکوم به همواره و چنبداره برخاستن. از مشروطه تا بهمن، بهمن بر بام خانه و فروپاشی خانه های امید و رویش دوباره. گوزن جنگل، با "چراغی در دست، چراغی در برابر" برآشوبیده در محاصره خفاشان غنوده در غار متروک و تیره تاریخ، زیر سایه های "مرگ و ابلیس" در تعقیب گوزن ها این شوالیه های کوه و جنگل. و ایستادگی در برابر شلاق و شوک و خوف. فرهودی های جنگل، از رویداد سیاهکل، روی به آینده، اما، گوزنی نرینه و تنها، با چشمانی به پهنای چهره ای پر اراده و دستانی با چشمی باز و سلاح، دستی که می درخشد در اقدامی مستقیم، نقد با سلاح، بی سلاح نقد^(۲). چشمانی بر کف دست، درخششی در تیرگی، در گریز از خودبیگانگی و رسیدن و پیوند با خویش، از نقطه آغازین و در پویش، اما به بیان راوی که با دریافتی "ما بعدی" از یک روند، در گفتمانی دو سویه، بیانگر نگرش آن سال ها و دید و دریافتی پسا بهمن، با گذشت بهمن هاست. راوی، خود

چالشگری است در تداوم فرایندی در بهمن که سرانجام، باورمند به گذر از این برهه به سامانه ای دیگر، اما، مبهم و نا شناخته برای این گرایش ویژه در جهان پیرامونی سال های ۱۹۶۰. راوی خود در بازگویی واقعیت به گفتمانی چند صدائی، نمایانگر گستره ای طیف گونه در گذر از مشی چریکی، ستالینیسیم و مائوئیسم، درنگی نه چندان دراز بر سوسیالیسم اردوگاهی و اعتراضهای سال ۱۹۶۸ در اروپا و نیز "بهار پراگ" که به دریافتی دیگراندیشانه می پردازد.

نمای آگاهانه ناموزون روی جلد، بازتاب درون مایه کتاب (طرح بیژن جزنی در زندان عشرت آباد سال ۱۳۵۰)، خود بیان نقد گونه ای است بر یک رویداد تاریخی در ایران دهه ی ۵۰ - ۱۳۴۰ در گرایش گریلائی شهر و جنگل. پرستوی زخمی در باد، نماد عشق و رهائی است در تراژدی جدال انسان در برابر نفرت و اسارت. در روایت پرستو فرهودی و سهراب حکیمی، با عشقی کریستالی و پر شور روبرو می شویم، بر گرفته از دریافت های زیبای بیکار در دورانی که "عشق را در پرستوی خانه نهان باید کرد"، عشقی که چون چشمه می جوشد و به پیوندی نقره ای فرا می روید، عشقی که به خودی خود، ناگزیر، بی نیاز به اثبات و در بستر مبارزه ای پر شور، سهمگین و نابرابر و از برآمدی آرمانخواهانه، با از خودگذشتگی فراپاورانه، نیرو می گیرد. پرستو و سهراب در همگرایی و یافتن خویش، به راستی مرز تفاوت های بینشی را در نور دیده و به هدفی والاتر می نگرند. محمد قراگوزلو، همزمان در جایگاه راوی، در ایماژ دل انگیزی از عشق، در فضای سنگین تابونی ابراز عشق زمینی نشسته بر ذهنیت رزمندگان آن برهه، جرأتی ستودنی می یابد. رخدادها و شخصیتها در این روایت، با آمیخته ای از واقعیت و خیال، خواننده را با نامهای قهرمانان و رویدادها به برهه تاریخی شور و بیم و امید می برد و نبرد و رویارویی دوآلیسم انسان و اهریمن را به تصویر می کشد.

نویسنده با همنازی شعر، شاملو، فروغ و حافظ، در روایت پرستو در باد، بر بال احساسات پر شور انسانی، جلوه ای عاطفی و شاعرانه می بخشد. در فصلهای گوناگون متن، این شعر است که فضای سیاسی و مبارزاتی داستان را قوتی دیگر می بخشد و فضائی نوستالژیک را باز آفرین می شود. سهراب حکیمی، سرانجام با یاری گرفتن از پل الوار به اعتراف می نشیند:

- می خوام اعتراف کنم که:

تو را به جای همه زنانی که نشناختم دوست می دارم

تو را به جای همه روزگاران که نمی زیسته ام دوست می دارم

برای خاطر عطر گستره بیکران و برای خاطر عطر نان گرم

برای خاطر برفی که آب می شود، برای خاطر نخستین گل

برای خاطر جانوران پاکی که آدمی نمی راندشان

تو را برای خاطر دوست داشتن دوست دارم

تو را به جای همه زنانی که دوست نمی دارم، دوست دارم

جز تو، که مرا منعکس تواند کرد؟

من خود خویشتن را بس اندک می بینم.

پرستو است که با شگفتی می پرسد:

- چه زیبا. نشنیده بودم. ترجمه بود نه؟ از کی بود؟

- پل الوار.

برای خاطر برفی که آب می‌شود

برای خاطر نخستین گل

برای خاطر دوست داشتن...

دریا دشت گلی-عباس منصوران

۲۴ نومبر ۲۰۱۱

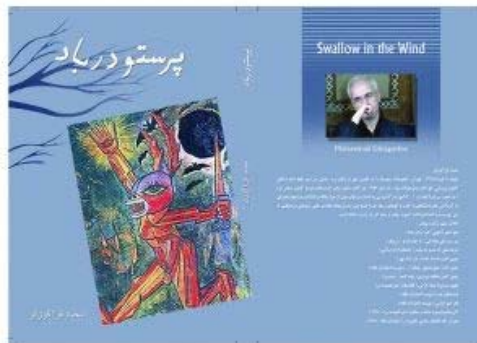
(۱) محمد قراگوزلو، نویسنده کتابها و نوشتارهای بسیاری از جمله، کتابهای شیوه شهرآشوبی، فکر دمکراسی، بحران: نقد اقتصاد سیاسی نئولیبرال، همسایگان درد، حالات عشق پاک، دریا عشق که شد و باز نیامد، چنین گفت بامداد خسته، ظهور و سقوط بنیادگرانی، اگزستانسیالیسم و حکمت متعالیه، چنین گفت شیخ نیشابور، چنین گفت حافظ، حالات عشق پاک، میرسد علی همدانی ... است. کتابهای نامبرده شده، در ایران به چاپ رسیده و رمان پرستو در باد، نخستین کتابی است از ایشان که به ابتکار دوستداران در خارج از ایران از سوی انتشاراتی آلفابت ماکسیم در سوئد منتشر شده است.

(۲) "سلاح نقد، البته، نمی تواند جایگزین نقد با سلاح گردد، نیروی مادی باید با نیروی مادی درهم شکسته شود؛ اما تنوری نیز، همین که توده گیر شود، به نیروی مادی مبدل می گردد. تنوری هنگامی توده ها را فرا می گیرد که استدلالی جدلی در جهت انسان کند و هنگامی در جهت انسان استدلال جدلی می کند که رادیکال باشد. رادیکال بودن به دست بردن به ریشه مسائل است. اما، برای انسان، ریشه خود انسان است."

کارل مارکس: مقدمه سهمی در نقد فلسفه حقوق هگل- ۱۸۴۴

خبر فرهنگی:

پرستو در باد منتشر شد. برای سفارش کتاب با آدرس زیر تماس بگیرید:



alfabetmaxi@yahoo.se

0046-8 7600343

Alfabetmaxima bokhandel

Kaskogatan 34.B.H

16476 Kista/ Sweden

نام کتاب: پرستو در باد

نویسنده: محمد قراگوزلو

زبان: فارسي

شابک: ۹۷۸-۹۱-۶۳۶۸۷۹-۸-۱

نوبت چاپ: نخست

جلد: شمیز

سال چاپ: ۱۳۹۰/2011

مکان چاپ: استکهلم /سوئد

ناشر: آلفابت ماکسیما

تعداد صفحه‌ها: ۳۰۰

مدت ارسال: یک هفته پس از دریافت سفارش